

وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی

* مسعود موسوی شفاپی

** احمد سلطانی نژاد

*** مهدی زحمتکش



چکیده

بی شک در دنیای صنعتی امروز، انرژی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در روابط میان کشورها است. وجود منابع سرشار و ذخایر انرژی در برخی از کشورها و همینطور کمبود انرژی و نیاز شدید به آن در برخی دیگر باعث شده است تا کشورها درباره سیاست خارجی خودشان و نیز در برقراری روابط با یکدیگر به این متغیر مهم توجه ویژه‌ای داشته باشند. نمونه بارز و

* عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
(shafae@modares.ac.ir)

** عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
*** مهدی زحمتکش، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱.

مصادق کامل این امر، روابط اتحادیه اروپا و روسیه و همکاری‌های آنها در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه در بخش انرژی است. در واقع نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به انرژی از یک طرف و وجود منابع و ذخایر انرژی در روسیه از طرف دیگر باعث شده است که مسئله انرژی، به یکی از ارکان اساسی روابط میان اتحادیه اروپا و روسیه تبدیل شود. استدلال اصلی مقاله حاضر این است که هر چند این رابطه در طول دو دهه اخیر فراز و فرودهای فراوانی داشته و حتی در برخی مواقع تنش‌های موقتی بین آنها بروز کرده است، همکاری بین طرفین در زمینه انرژی نه تنها افول نکرده است، بلکه زمینه‌های متعددی دال بر امکان تقویت این همکاری به چشم می‌خورد؛ به نحوی که می‌توان از نهادینه شدن وابستگی متقابل روابط طرفین در حوزه انرژی سخن گفت. این مقاله قصد دارد تا زمینه‌های تقویت همکاری روسیه و اتحادیه اروپا را با محوریت انرژی به عنوان متغیری تعیین‌کننده بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: انرژی، روسیه، اتحادیه اروپا، همکاری، وابستگی متقابل.

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، تحولات سیاسی و امنیتی اروپا و مناطق پیرامون روسیه مانند فروپاشی یوگسلاوی و جنگ بوسنی، گسترش ناتو به شرق، مسائل چچن و غیره به گونه‌ای رقم خورد که زمینه تضاد منافع روسیه و اتحادیه اروپا به وجود آمد. به‌رغم این زمینه‌های تعارض (عمدتاً سیاسی - امنیتی)، شاهد گسترش سطح عمومی همکاری‌های طرفین بودیم؛ به طوری که از سال ۱۹۹۲ به بعد توافقات و نشست‌های گوناگونی بین دو طرف برای گسترش و ارتقای همکاری‌های مختلف در طیفی گسترده صورت گرفت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به امضای «توافقنامه مشارکت و همکاری»^۱ در سال ۱۹۹۴ و اجرای آن از دسامبر ۱۹۹۷ به مدت ۱۰ سال، تصویب استراتژی مشترک اتحادیه اروپا درباره روسیه در ژوئن ۱۹۹۹ در شهر کلن آلمان، تصویب سندی موسوم به استراتژی میان‌مدت به‌منظور توسعه روابط روسیه با اتحادیه اروپا در اکتبر ۱۹۹۹ از سوی روسیه و توافق «سن پترزبورگ»^۲ که در مه ۲۰۰۳ میان مسکو و بروکسل مبنی بر ایجاد چهار فضای مشترک همکاری در زمینه‌های اقتصادی، آزادی و عدالت، امنیت خارجی و آموزش و پژوهش ایجاد شد، اشاره کرد (شعیب، ۱۳۸۸: ۹۳).

هرچند همکاری‌ها و توافقات صورت‌گرفته به فراخور مسائلی نظیر تحولات داخلی روسیه از قبیل حاکم بودن غرب‌گرایان یا احزاب و افراد روسیه‌محور یا مسائل بین‌المللی مانند بحث عدم رعایت حقوق بشر توسط روسیه، روابط اتحادیه

1. Partnership and Cooperation Agreement
2. St. Petersburg

اروپا و روسیه با امریکا و همینطور گرایش‌های داخلی موجود در درون اتحادیه اروپا نسبت به رابطه با روسیه دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است، همچنان شرایط کلی حاکی از وجود نوعی تفکر همکاری و مشارکت به عنوان یک اصل در روابط روسیه و اتحادیه اروپا است (شیرغلامی، ۱۳۸۰: ۷). به نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۰ و همزمان با آغاز دوران ریاست جمهوری پوتین، به تدریج رویکردی نوین مبنی بر عمل‌گرایی بر روابط آنها غالب شده است که باید ریشه این نگرش عمل‌گرایانه را در ماهیت تعاملات اقتصادی و به‌خصوص مبادلات انرژی میان طرفین جستجو کرد. در حالی که اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شرکای تجاری روسیه نقش برجسته و عمده‌ای در افزایش رشد و توسعه اقتصادی روسیه در چند سال اخیر داشته است، روسیه نیز به‌منزله بزرگ‌ترین شریک انرژی اتحادیه اروپا، جایگاه مهم و قابل ملاحظه‌ای در بازار انرژی این اتحادیه دارد (گل شیرازی و جندقیان، ۱۳۸۰: ۵۰). در واقع وجود ذخایر و منابع فراوان انرژی روسیه و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیم در این بخش و همچنین کمبود منابع انرژی و مصرف و نیاز بالای آن در اتحادیه اروپا باعث شده است تا اتحادیه اروپا و روسیه، همکاری‌های متنوع و گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش انرژی داشته باشند.

مقاله حاضر درصدد است تا با وجود برخی زمینه‌های تنش میان روسیه و اتحادیه اروپا، زمینه‌های تقویت همکاری طرفین در حوزه انرژی را بررسی کند و مدعی است که نشانه‌های مهمی دال بر نوعی وابستگی متقابل اولیه روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی به چشم می‌خورد. برای بررسی این مدعا ابتدا به پیشینه پژوهش در روابط روسیه و اروپا می‌پردازیم. سپس میزان ذخایر و توانمندی روسیه در تولید و صادرات انرژی و در ادامه میزان تولید و مصرف انرژی در اتحادیه اروپا را بررسی می‌کنیم. سپس ضمن تبیین زمینه‌های تقویت همکاری طرفین در حوزه انرژی تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم که چگونه انرژی توانسته است به عاملی برای گسترش همکاری میان روسیه و اتحادیه اروپا تبدیل شود؛ در پایان نیز نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش اساساً به مقالات و نوشته‌های محققان و نویسندگان داخل کشورمان پرداخته‌ایم تا ضمن نشان دادن موارد قوت و ضعف آنها، گامی به‌منظور بهبود ادبیات داخلی این حوزه برداریم. انتخاب و بررسی منابعی که در ادامه می‌آید، بر مبنای یادشده است.

اندرو مونگان در مقاله‌ای تحت عنوان نفت روسیه و امنیت انرژی اتحادیه اروپا

به همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی اشاره کرده است. وی ابتدا موضوع امنیت انرژی و امکان استفاده روسیه از انرژی را طرح می‌کند و سپس به روابط روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی اشاره می‌کند و البته معتقد است که در این رابطه وابستگی روسیه به اتحادیه اروپا بیشتر از وابستگی این اتحادیه به روسیه است. تفاوت کار ما با مونگان در این است که ابتدا به میزان ذخایر و توانمندی‌های روسیه در زمینه تولید و صادرات انرژی و همین‌طور نقش این توانمندی در نوع رابطه با اتحادیه اروپا اشاره کرده‌ایم و همین‌طور به میزان مصرف و تقاضای انرژی در اتحادیه اروپا و در کشورهای مختلف این اتحادیه با استفاده از آمار و ارقام جدید و معتبر پرداخته‌ایم و نشان داده‌ایم که چگونه مصرف و تقاضای زیاد انرژی در اتحادیه اروپا در کنار میزان بسیار پایین تولید و ذخایر پایین انرژی در این اتحادیه و همین‌طور نبودن انسجام و استراتژی واحد در قبال تأمین‌کنندگان و عرضه‌کنندگان انرژی باعث وابستگی بیشتر اتحادیه اروپا به این تأمین‌کنندگان (روسیه) شده است. در ضمن به نقش محوری انرژی در ایجاد همکاری‌های گسترده اتحادیه با روسیه در زمینه‌های مختلف تجاری با استفاده از آخرین اطلاعات و آمار موجود میان دو طرف پرداخته‌ایم؛ کاری که در مقاله فوق (مونگان) و همین‌طور مقاله‌های مشابه صورت نگرفته بود. مهم‌تر از همه اینکه کوشیده‌ایم تا روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا را در قالب چهارچوب نظری وابستگی متقابل بررسی کنیم.

جیمز هیوز نیز در مقاله‌ای تحت عنوان روابط اتحادیه اروپا با روسیه:

همکاری یا وابستگی متقابل نامتقارن؟ که در سال ۲۰۰۶ نوشته است، بحث وابستگی متقابل نامتقارن دو طرف را طرح کرده و همانند مونگان بر این باور است که وابستگی روسیه به اتحادیه اروپا از وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه بیشتر است.

وی همچنین به استراتژی مشترک اتحادیه اروپا درباره روسیه اشاره می‌کند. همانند مورد گفته‌شده، مقاله حاضر از نظری متفاوت با نگرش هیوز به وابستگی متقابل در روابط روسیه و اتحادیه اروپا پرداخته و نیز آمار و ارقام دقیق روابط تجاری آن دو را بررسی کرده است.

داوود کیانی در مقاله‌ای با عنوان **سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا** ضمن بررسی وضعیت منابع، ذخایر، تولید و مصرف انرژی در روسیه و اتحادیه اروپا، به سیاست انرژی این دو در قبال یکدیگر توجه کرده و در بخش دیگری از مقاله خود سیاست ترانزیتی انرژی روسیه را تحلیل کرده و نتیجه گرفته است: «یکی از موضوعاتی که در روابط انرژی کشورهای صادرکننده و واردکننده مهم و تعیین‌کننده است، مسیر ترانزیتی انتقال این منابع است و رفتار انرژی روسیه دست‌کم از سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که سیاست ترانزیت انرژی نفت و گاز این کشور به اتحادیه اروپا بر دو پایه: افزایش کنترل دولتی بر خطوط لوله انتقال‌دهنده و کم کردن وابستگی به کشورهای ترانزیت استوار است». وی در انتها به دلایل تصویب نشدن پیمان منشور انرژی از سوی روسیه پرداخته است. این مقاله نیز ضمن دارا بودن تحلیل‌های ارزشمند، زمینه‌ای متفاوت از موضوع مد نظر این پژوهش که تبیین وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا با محوریت انرژی است، را بررسی کرده است.

مرتضی راعی دهقی نیز در مقاله‌ای با عنوان **روسیه و اتحادیه اروپایی: استراتژی‌های متقابل انرژی بر امنیت انرژی اتحادیه اروپا تمرکز کرده و بر این عقیده است که تحولات در سیاست انرژی روسیه به‌ویژه درباره گاز طبیعی، نگرانی اتحادیه اروپایی را از وابستگی به منابع گاز روسیه برانگیخته و مفهوم انرژی را در اروپا متحول کرده است. وی ضمن تبیین مفهوم امنیت انرژی، به میزان وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه اشاره کرده و همچنین وضعیت ظرفیت صادراتی انرژی روسیه را توضیح داده است. در نهایت نیز به بررسی استراتژی‌های انرژی روسیه و اتحادیه اروپا در قبال یکدیگر پرداخته است. این اثر در واقع با نگاهی مشابه مقاله کیانی به روابط روسیه و اتحادیه اروپا توجه و حوزه‌ای غیر از موضوع این پژوهش را بررسی کرده است.**

در نهایت خلیل شیرغلامی نیز در مقاله‌ای با عنوان **زمینه‌های همکاری روسیه و اتحادیه اروپا** تلاش کرده است تا همکاری‌های صورت گرفته میان این دو از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ را بررسی کند. وی ضمن تمرکز بر روابط تجاری طرفین به استراتژی‌ها و موافقت‌نامه‌های مشترکی پرداخته است که بین روسیه و اتحادیه اروپا امضا یا تصویب شده و در این میان موضوع همکاری در حوزه انرژی مورد توجه شیرغلامی نبوده است.

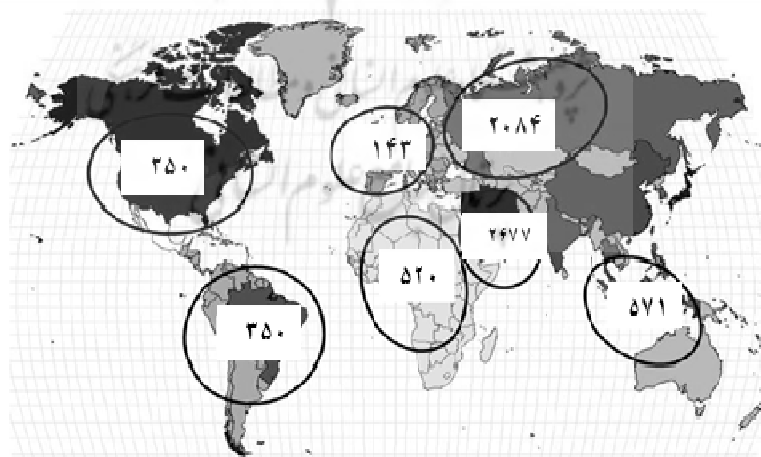
چنان‌که نمونه‌های یادشده نشان می‌دهد، اگرچه انرژی به‌مثابه یکی از ابعاد همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا مد نظر برخی از منابع یادشده قرار گرفته است، هیچ‌یک از آنها نقش انرژی در روابط این دو را از دیدگاهی که مورد نظر پژوهش حاضر است، تبیین و تحلیل نکرده‌اند. در واقع این مقاله درصدد دفاع از این استدلال است که انرژی به‌رغم تمامی زمینه‌های کشمکش و تنش میان روسیه و اتحادیه اروپا به کانون گسترش همکاری و محور وابستگی متقابل طرفین تبدیل شده است؛ موضوعی که کمتر مورد توجه ادبیات موجود در این زمینه قرار گرفته است.

۱. میزان ذخایر و توانمندی‌های روسیه در زمینه تولید و صادرات انرژی

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که کشور روسیه، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی دنیا است (Moran & Russell, 2009: 122)؛ به نحوی که جایگاه روسیه در بازار جهانی انرژی بسیار اهمیت دارد. این کشور هفتمین ذخایر نفت اثبات‌شده و رتبه نخست تولید نفت جهان را در اختیار دارد (BP, 2011: 6-22). بر اساس گزارش «بریتیش پترولیوم» ذخایر نفت روسیه تا پایان سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۷۷/۴ میلیارد بشکه (۵/۶ درصد از کل منابع نفت خام جهان) بوده است و این کشور با تولید بیش از ۱۰ میلیون و دویست و هفتاد هزار بشکه در روز (۱۲/۹ درصد از تولید روزانه جهان) جایگاهی اساسی در تأمین انرژی دارد. همچنین روسیه توانمندی‌های بی‌بدیلی در حوزه گاز دارد؛ بر اساس گزارش بریتیش پترولیوم که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است، ۵۳ درصد از ۶۶۰۸ تریلیون فوت مکعب ذخایر اثبات‌شده گاز جهان در اختیار سه کشور روسیه،

ایران و قطر است که در این میان روسیه با در اختیار داشتن ۱۵۸۰ تریلیون فوت مکعب از این ذخایر (۲۳/۹ درصد) بزرگ‌ترین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی در جهان محسوب می‌شود. روسیه در پایان سال ۲۰۱۰ با تولید روزانه ۵۷ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان بوده است و بر اساس گزارش مرکز تحقیقات ماساچوست آمریکا اگر تولیدات گاز این کشور در همین سطح باقی بماند، این کشور برای مدت بیشتر از ۸۰ سال دیگر گاز خواهد داشت. در همین زمینه شکل شماره یک توزیع ذخایر گاز طبیعی در مناطق مختلف جهان را نشان می‌دهد. اتحاد جماهیر شوروی سابق با داشتن ۲۰۸۴ تریلیون فوت مکعب از ذخایر گاز پس از منطقه خاورمیانه در جایگاه دوم قرار دارد و پس از آن نیز مناطق آسیا پاسفیک، افریقا و آمریکا در رتبه‌های بعدی هستند (Paltser, 2011:7). با وجود این درباره پتانسیل صادراتی گاز این کشور، تخمین‌ها و نظرات گوناگونی طرح می‌شود. اداره اطلاعات انرژی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی، ارزیابی‌های کاملاً متفاوتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ در حالی که طرف آمریکایی ارزیابی خوش‌بینانه‌ای از این پتانسیل دارد. آژانس یک وضعیت نزدیک به رکود را در صادرات گاز روسیه پیش‌بینی می‌کند (راعی دهقی، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

شکل شماره ۱



Source: (Bp, 2011)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تولید گاز روسیه با کاهش ۱۰ درصدی نسبت به زمان اوج آن در سال ۱۹۹۰ مواجه شد و در سال ۱۹۹۵ به کمترین میزان تولید خود رسید. سپس از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۸ به رشد ۱۳ درصدی در تولید دست یافت؛ اما مجدداً در سال ۲۰۰۹ تولید گاز روسیه با کاهش ۱۲/۳ درصد در مقایسه با سال قبل از آن بزرگ‌ترین کاهش را در داده‌های بریتیش پترولیوم به نام خود ثبت کرد. باین حال در سال ۲۰۱۰ مجدداً تولید گاز در این کشور جهشی ۱۱/۵ درصدی نشان داده است و به نظر می‌رسد که این رشد تولید در سال ۲۰۱۱ نیز ادامه داشته باشد (Paltser, 2011:7).

اگرچه تخمین‌های بلندمدت از ذخایر گاز روسیه همانند پتانسیل صادراتی آن تا حد زیادی با هم متفاوت هستند (راعی دهقی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)، آنچه در مجموع پذیرفتنی و مورد تأیید همه کارشناسان است، این است که تقریباً یک چهارم از ذخایر اثبات‌شده و نیمی از ذخایر احتمالی گاز جهان متعلق به این کشور است. ۹۰ درصد از گاز روسیه در منطقه سیبری غربی تولید می‌شود (یعنی ۲۰ درصد از تولید جهانی گاز). در واقع عمده تولید گاز روسیه مربوط به سه میدان فوق‌العاده بزرگ «اورنگوی»^۱، «یامبورگ»^۲ و میدان «مدوژی»^۳ است. در سال ۲۰۰۵ این سه میدان حدود ۵۰ درصد از تولید گاز روسیه را در اختیار داشتند. البته تولید گاز این سه میدان رو به کاهش است، ولی این روند نزولی تولید از طریق راه‌اندازی میدان‌های دیگری مانند «یازان روسکوی»، «شاتکمان»، «یامال» و دیگر میدان‌های نسبتاً کوچک‌تر مدیریت شده است. میدان یامال در شبه جزیره یامال و در وضعیت آب‌وهوایی بسیار سخت واقع شده است؛ این میدان که مرکز آینده گاز روسیه است، تولید خود را از سال ۲۰۱۲ به صورت کامل شروع می‌کند و در سال ۲۰۳۰ به اوج تولید خود خواهد رسید. در واقع همزمان با افت نسبی تولید در منطقه سیبری غربی منطقه یامال شروع به رشد می‌کند (Soderbergh, 2011:23).

1. Avrngvy
2. Yamburg
3. Mdvzhy

جدول شماره ۱. پیش‌بینی توانایی صادراتی گاز روسیه از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰ در مناطق مختلف روسیه
(برحسب میلیارد متر مکعب)

منطقه/سال	۲۰۰۴	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰
سیبری غربی	۵۷۵	۵۶۴	۴۲۰	۲۷۰
یامال	۰	۰	۱۰۰	۲۵۰
قسمت اروپایی در ساحل	۴۵	۴۰	۵۰	۶۱
شاتکمان	۰	۰	۶۰	۶۹
سیبری شرقی و شرق دور	۱۰	۴۱	۶۰	۸۰
دیگر منابع کشف شده	۶	۲۵	۵۰	۸۰
مجموع	۶۳۶	۶۷۰	۷۴۰	۸۱۰

Source: Center of Energy Policy, Moscow

صنعت گاز طبیعی روسیه، تحت سلطهٔ بلامنازع شرکت «گازپروم»^۱ قرار دارد. در واقع وضعیت انحصاری برای صادرات گاز روسیه از طرف دولت به این شرکت دولتی اعطا شده است که کنترل بیش از ۹۰ درصد از تولید گاز طبیعی این کشور را با استفاده از ۱۰۰ میدان گازی در دست دارد. تنها شرکت مستقل بزرگ تولیدکننده گاز در روسیه شرکت «نواتک» است که رشد سریعی دارد؛ با وجود این فقط شش درصد از تولید گاز روسیه را در اختیار دارد که برای حمل و نقل همین میزان تولید نیز به شبکه لوله‌های گازپروم وابسته است. البته این شرکت تلاش می‌کند تا با تجارت و حمل و نقل گاز مایع از طریق طرحی که قرار است از سال ۲۰۱۶ در منطقه یامال شروع شود، انحصار گازپروم را بشکند (Paltser, 2011:8). همچنین روسیه با ۱۵۰ هزار کیلومتر خطوط لوله و قراردادهای امضا شده برای فروش ۲/۶ تریلیون متر مکعب گاز تا سال ۲۰۲۰، بزرگ‌ترین دارندهٔ خطوط لولهٔ گاز و عرضه‌کنندهٔ آن در بازار جهانی محسوب می‌شود (زیب، ۱۳۸۶: ۱۵۲). در زمینهٔ نفت نیز خطوط لولهٔ موجود روسیه اکنون در مسیرهای داخلی این کشور حدود ۴۶ هزار کیلومتر و در مسیرهای خارجی و بین قاره‌ای حدود نه هزار کیلومتر است. حجم نفت صادراتی به خارج از حوزهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سه ماههٔ اول سال ۲۰۰۴ به ۴۲ میلیون و ۵۷۰ هزار تن رسید. همچنین در این مدت روسیه حدود نه

1. Gazprom

میلیون و ۷۸۰ هزار تن نفت به کشورهای مشترک‌المنافع صادر کرده است (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۶۰).

همان‌طور که گفته شد، درست است که روسیه هفتمین کشور دارای ذخایر نفت دنیا و نخستین تولیدکننده آن در جهان است، اما آنچه باعث اهمیت بیش از پیش انرژی این کشور شده است، وجود ذخایر غنی گاز است؛ چرا که روسیه (با داشتن نزدیک به ۲۳/۷ درصد منابع گاز جهان) از نظر میزان برخورداری از ذخایر گاز، فاصله نسبتاً زیادی با دیگر کشورها یا مناطق دارنده آن مانند ایران (۱۵/۸ درصد)، قطر (۱۳/۵ درصد) و افریقا (۷/۹ درصد) دارد و نیز ذخایر گاز این کشور، در کنار گاز ایران و قزاقستان بیشترین طول عمر را دارد. این مسئله در حالی است که ذخایر گاز در نروژ، انگلیس، اندونزی، مالزی و سه کشور عضو نفتا، عمر بسیار کمتری در مقایسه با ذخایر گاز روسیه دارد. بر اساس آماری که از سوی شرکت بریتیش پترولیوم ارائه شده است، فقط ذخایر گاز طبیعی ایران و قزاقستان، عمری بیش از ۱۰۰ سال خواهند داشت (کیانی، ۱۳۸۶: ۸۵).

نکته مهم این است که بخشی از توانمندی‌های روسیه در زمینه انرژی را باید به واردات و انتقال نفت و گاز این کشور از کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه قزاقستان و ترکمنستان مربوط دانست. روسیه در حال حاضر از کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان گاز طبیعی وارد می‌کند. بخش عمده‌ای از این گاز را که با قیمت ارزان خریداری می‌شود، به مصرف داخلی می‌رساند و بخش دیگر را نیز از طریق اوکراین، بلاروس و مولداوی صادر می‌کند. در واقع روس‌ها در بحث امنیت انرژی خارجی خود، بر دسترسی به گاز طبیعی ترکمنستان تأکید می‌کنند و این کشور به همین دلیل می‌کوشد تا نفوذ استراتژیک خود بر جمهوری‌های شوروی سابق را حفظ کند. عامل وابستگی گازپروم به گاز ترکمنستان منوط به دلایلی از جمله قراردادهای صادراتی‌اش به اروپا و همچنین مصرف داخلی روسیه است. این شرکت بزرگ انرژی به‌خوبی می‌داند که بدون دسترسی به گاز ترکمنستان، مسکو قادر به استفاده از انرژی به‌مثابه اهرم سیاسی برای رسیدن به اهداف خویش نیست و خود شرکت گازپروم نیز قادر به اعمال قدرت در جنوب روسیه و بخش‌هایی از اورال نخواهد بود (Moran & Russell, 2009: 159).

گازپروم در حال حاضر، گاز ترکمنستان را طبق قراردادی ۲۵ ساله در اختیار دارد و تلاش می‌کند چنین قراردادی را با قزاقستان نیز منعقد کند (Belkin&Morelli,2007:16). در واقع روسیه برای اینکه بتواند بر قدرتش در زمینه تولید و صادرات انرژی بیفزاید، به دنبال تضمین مشارکت شرکت‌هایش در استخراج منابع انرژی در منطقه و حمل و نقل نفت و گاز به بازارهای جهانی است. شرکت‌های روسی، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در زمینه انرژی در اوراسیا کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به توسعه میادین نفت قزاقستان و ازبکستان اشاره کرد. به عبارت دیگر در بخش انرژی، روسیه خریدار اصلی تولیدکنندگان انرژی منطقه (ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان) است و هم‌زمان فروشنده اصلی به مصرف‌کنندگان منطقه (گرجستان، بلاروس، اوکراین، ارمنستان و مولداوی) محسوب می‌شود. در بخش حمل و نقل نیز، زیرساخت‌های لازم در زمان شوروی به نحوی پیش‌بینی شده است که همه راه‌ها به مسکو ختم شود (موسوی شفایی و واعظی، ۱۳۸۸: ۲۱۷). همین مسئله به روسیه کمک کرده است تا بتواند صادرات نفت و گاز به کشورهای اروپایی و به‌ویژه اتحادیه اروپا را تقریباً به صورت انحصاری در اختیار داشته باشد. در واقع روسیه تلاش می‌کند تا با کنترل مسیرهای انتقال انرژی و حمل و نقل آنها، کشورهای تولیدکننده و نیز کشورهای واردکننده انرژی را به خودش وابسته کند؛ به عبارت دیگر، روسیه می‌کوشد تا از این موقعیت و فرصت پیش‌آمده برای پیش‌بردن دیگر اهداف سیاست خارجی‌اش در قبال کشورهای اروپایی و دیگر واردکنندگان انرژی بهره‌برداری کند (Moran & Russell, 2009:122). در مجموع می‌توان گفت که موقعیت روسیه به عنوان عرضه‌کننده اصلی و عمده انرژی، نقشی مهم در روابطش با کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی دارد.

۲. میزان تولید و تقاضای انرژی (نفت و گاز) در اروپا

بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا تقریباً ۱۷ درصد از کل انرژی جهان را مصرف می‌کنند. از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۷۵ درصد از انرژی مصرفی در داخل اتحادیه اروپا از سوخت‌های فسیلی تأمین شده است (Belkin&Morelli,2007:7). نمودار زیر دیدی کلی از مصرف انرژی اتحادیه اروپا

برحسب منابع سوختی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. منابع مصرف انرژی در اتحادیه اروپا

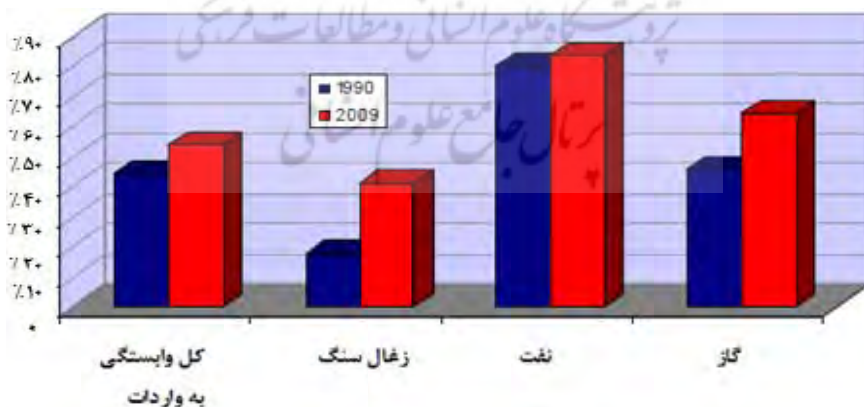
نوع انرژی	میزان مصرف ۲۰۰۸	میزان مصرف ۲۰۰۹	میزان مصرف ۲۰۱۰
نفت	۳۶/۷٪	۳۷٪	۳۵٪
گاز طبیعی	۲۴/۵٪	۲۴٪	۲۵٪
ذغال سنگ	۱۶/۲٪	۱۶٪	۱۶٪
انرژی هسته‌ای	۱۴/۲٪	۱۴٪	۱۴٪
انرژی‌های تجدیدشونده	۸/۴٪	۹٪	۱۰٪

Source (2010): Eurogas Statistical Report (2011)

Source (2008-2009): European Commission Energy Report (2010-2011)

هرچند که روند وابستگی به واردات سوخت‌های فسیلی در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۹ رشدی ۱۰ درصدی داشته است، در این میان تفاوت عمده‌ای میان میزان رشد این سوخت‌ها وجود دارد. در حالی که وابستگی به واردات نفت رشد دو درصدی داشته است، گاز طبیعی رشدی ۱۹ درصدی داشته است و زغال سنگ نیز با ۲۲ درصد رشد در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۱۹۹۰ بالاترین میزان رشد را بین سوخت‌های فسیلی در اتحادیه اروپا داشته است. در مجموع میزان وابستگی اتحادیه اروپا به واردات سوخت‌های فسیلی در سال ۲۰۰۹ حدود ۶۱ درصد بوده است.

نمودار شماره ۱. مقایسه کل میزان وابستگی اتحادیه اروپا به واردات انرژی در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۹



Source: European Commission Energy Report (2011)

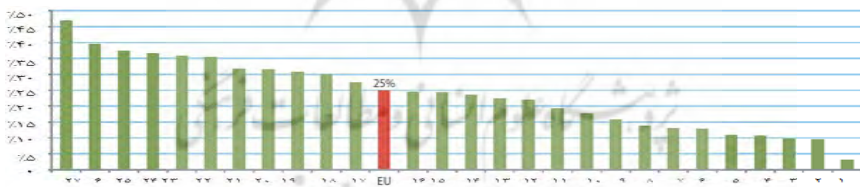
از نظر مصرف انرژی و به‌ویژه نفت و گاز میان اعضای اتحادیه اروپا تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۰ بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آلمان با ۲/۹ درصد، فرانسه با ۲/۱ درصد، اسپانیا با ۱/۸ درصد و انگلیس با ۱/۸ درصد بیشترین سهم مصرف جهانی و کشورهای اسلواکی، اسلونی، لیتوانی، بلغارستان و لتونی هرکدام با ۰/۱ درصد کمترین سهم مصرف جهانی نفت را داشته‌اند. درباره میزان مصرف گاز در میان اعضای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ کشورهای انگلیس با ۳ درصد، آلمان با ۲/۶ درصد، فرانسه با ۱/۵ درصد و هلند با ۱/۴ درصد بیشترین سهم مصرف جهانی و کشورهای لیتوانی، لتونی، استونی، قبرس، سوئد و یونان هرکدام با ۰/۱ درصد کمترین سهم مصرف جهانی گاز را بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا داشته‌اند (جدول شماره ۳). همچنین بر اساس گزارش ۲۰۱۱ «یورو گاز»، در حالی که در سال ۲۰۱۰ مصرف اولیه انرژی در اتحادیه اروپا به علاوه سوئیس و ترکیه رشد ۳ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۰۹ داشته و به رقم معادل ۱۷۶۰ میلیون تن نفت رسیده است، سهم اولیه گاز طبیعی در مصرف انرژی اتحادیه اروپا با رشد اندکی به ۲۵ درصد رسیده است و همانطور که در نمودار شماره دو مشخص است، سهم گاز طبیعی به‌منزله مصرف اولیه انرژی در کشور هلند با ۴۷ درصد بالاترین درصد و در کشور سوئد با ۳ درصد کمترین سهم را در میان اعضا داشته است (نمودار شماره ۲).

جدول شماره ۳. میزان مصرف نفت (میلیون تن) و گاز (میلیارد متر مکعب) اعضای اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	سهم از کل مصرف در سال (%)	کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	سهم از کل مصرف در سال (%)
اتریش	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳	۱۳	۲/۳	اتریش	۸/۹	۹/۵۰	۹/۳	۱۰/۱	۲/۳
بلژیک و لوکزامبورگ	۳۷/۷	۴۰/۸	۳۳/۴	۳۵/۰	۲/۹	بلژیک و لوکزامبورگ	۱۷	۱۶/۲	۱۷/۵	۱۹/۴	۲/۶
بلغارستان	۵/۱	۵/۴	۵/۶	۴/۲	۱/۱	بلغارستان	۳/۲	۳/۲	۲/۳	۲/۶	۱/۱
جمهوری چک	۹/۷	۹/۹	۹/۷	۹/۲	۲/۲	جمهوری چک	۸/۷	۸/۷	۸/۲	۹/۳	۲/۳
دانمارک	۹/۷	۹/۵	۹/۵	۸/۷	۲/۲	دانمارک	۴/۶	۴/۶	۴/۴	۴/۹	۲/۲
فنلاند	۱۰/۶	۱۰/۵	۹/۹	۱۰/۴	۲/۳	فنلاند	۴	۴	۳/۶	۳/۹	۱/۱
فرانسه	۹۱/۴	۹۰/۸	۸۷/۵	۸۳/۴	۲۱/۱	فرانسه	۴۲/۴	۴۳/۸	۴۲/۲	۴۲/۹	۱۷/۵
آلمان	۱۱۳/۵	۱۱۸/۹	۱۱۳/۹	۱۱۵/۱	۲۲/۹	آلمان	۸۲/۹	۸۱/۲	۷۸	۸۱/۳	۲۲/۶
یونان	۲۱/۷	۲۱/۴	۲۰/۲	۱۸/۵	۱/۵	یونان	۴	۴	۳/۴	۳/۷	۱/۱
مجارستان	۷/۷	۷/۵	۷/۱	۷/۶	۲/۲	مجارستان	۱۱/۹	۱۱/۸	۱۰/۱	۱۰/۹	۲/۳
ایرلند	۹/۴	۹	۸	۷/۶	۲/۳	ایرلند	۴/۸	۵	۴/۸	۵/۳	۲/۲
ایتالیا	۸۴	۸۰/۴	۷۵/۱	۷۳/۱	۱/۸	ایتالیا	۷۷/۸	۷۷/۸	۷۱/۵	۷۶/۱	۲/۴
لیتوانی	۲/۸	۳/۱	۲/۶	۲/۷	۱/۱	لیتوانی	۳/۶	۳/۲	۲/۷	۳/۱	۱/۱
هلند	۵۳/۵	۵۱/۱	۴۹/۴	۴۲/۸	۱۷/۲	هلند	۳۷	۳۸/۶	۳۸/۹	۴۳/۶	۲/۴
لهستان	۲۴/۲	۲۵/۳	۲۵/۳	۲۶/۳	۱/۷	لهستان	۱۳/۸	۱۳/۹	۱۳/۴	۱۴/۳	۱/۵
پرتغال	۱۴/۴	۱۳/۶	۱۲/۸	۱۲/۶	۲/۳	پرتغال	۴/۳	۴/۶	۴/۷	۵	۲/۲
رومانی	۱۰/۳	۱۰/۴	۹/۲	۹/۱	۲/۳	رومانی	۱۶/۱	۱۵/۹	۱۳/۲	۱۳/۳	۲/۴
اسلواکی	۳/۶	۳/۹	۳/۷	۳/۷	۱/۱	اسلواکی	۵/۷	۵/۷	۴/۹	۵/۶	۲/۲
اسپانیا	۸۰/۷	۷۹	۷۵	۷۴/۵	۱/۸	اسپانیا	۳۵/۱	۳۸/۶	۳۴/۶	۳۴/۴	۲/۱
سوئد	۱۶/۱	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۴/۵	۲/۴	سوئد	۱	۱/۹	۱/۱	۱/۶	۱/۱
انگلیس	۷۹/۲	۷۷/۹	۷۴/۴	۷۳/۷	۱/۸	انگلیس	۹۱/۱	۹۳/۸	۸۶/۷	۹۳/۸	۲/۳
سایر اعضا	۱۵	۱۵/۱	۱۴/۲	۱۴/۴	۲/۴	سایر اعضا	۴/۵	۴/۱	۳/۸	۴/۴	۲/۲

Source: BP Statistical Review of World Energy June 2011

نمودار شماره ۲. سهم گاز طبیعی در مصرف اولیه انرژی کشورهای اروپایی



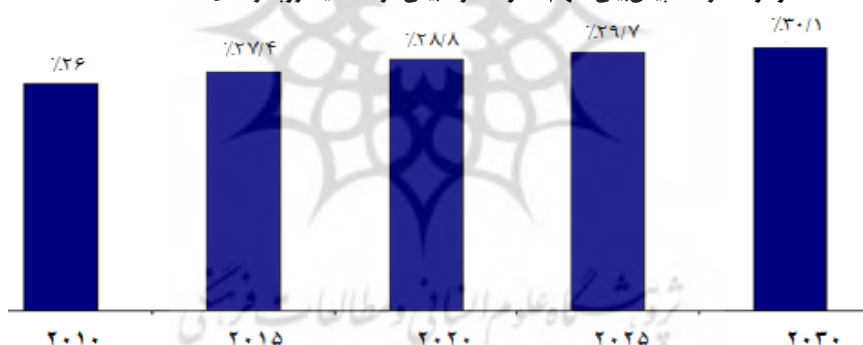
Source: EUROGASSTATISTICAL REPORT(2011)

۱- سوئد ۲- دانمارک ۳- یونان ۴- فنلاند ۵- سوئیس ۶- لهستان ۷- بلغارستان ۸- اسلواکی ۹- فرانسه ۱۰- پرتغال ۱۱- جمهوری چک ۱۲- آلمان ۱۳- دانمارک ۱۴- اسپانیا ۱۵- اتریش ۱۶- لوکزامبورگ ۱۷- اسلواکی ۱۸- بلژیک ۱۹- لتونی ۲۰- لیتوانی ۲۱- ایرلند ۲۲- لیتوانی ۲۳- رومانی ۲۴- ایتالیا ۲۵- مجارستان ۲۶- بریتانیا ۲۷- هلند

بر اساس سندی که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ منتشر کرده است، تقریباً نیمی از گاز مصرفی اتحادیه اروپا از سه کشور روسیه، نروژ و الجزایر وارد می‌شود. البته بر اساس پیش‌بینی همین سند این روند واردات تا ۲۵ سال آینده به ۸۰ درصد خواهد رسید (Green Paper, 2006:3). در سال ۲۰۱۰ روسیه حدود ۳۳ درصد از نفت و ۳۴ درصد از گاز وارداتی اتحادیه اروپا را تأمین کرده است (European

4: Commission Energy, 2011). تقاضای گاز طبیعی در اروپا به دلیل جایگزینی زغال و نفت با گاز طبیعی و گازی شدن روزافزون صنایع اروپایی به سرعت در حال افزایش است و بر اساس چشم‌انداز ۲۰۳۰ «یورو گاز» سهم مصرف گاز طبیعی در اتحادیه اروپا از ۲۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۰/۱ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (نمودار شماره ۳) (Eruogas, 2011:7) و مهم‌تر اینکه واردات گاز طبیعی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰، به دلیل کاهش تولید گاز در این اتحادیه و افزایش تقاضای کشورهای عضو دو برابر خواهد شد و از آنجا که میزان رشد مصرف گاز طبیعی کشورهای عضو اتحادیه بیشتر از نفت است، روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه گاز طبیعی اهمیتی بیشتر از روابط دو طرف در حوزه نفت دارد (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۸۸). نکته مهم دیگر اینکه اتحادیه اروپا می‌تواند نفت مورد نیاز خود را در مقایسه با گاز راحت‌تر از خارج وارد کند و برای واردات نفت صرفاً به خطوط لوله وابسته نباشد.

نمودار شماره ۳. پیش‌بینی سهم مصرف گاز طبیعی در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰



Source: The European of the Natural Gas Industry: long-term Outlook to 2030

در مورد میزان تولید گاز طبیعی در اروپا باید گفت که بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۲ میزان تولید گاز طبیعی ۸/۹ درصد رشد کرد؛ ولی طی همین دوره تقاضای گاز ۳۹/۶ درصد افزایش یافت. در سال ۱۹۷۶ تولید سالانه گاز ۱۹۱/۱ میلیارد متر مکعب و در سال ۱۹۹۲، ۲۰۸/۲ میلیارد متر مکعب بوده است که این میزان نشان‌دهنده کند بودن روند تولید گاز در اروپا است. افزایش تولید گاز اروپا از سال ۱۹۹۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۳ به ۲۹۰/۳ میلیارد متر مکعب در سال رسید

(حسن‌تاش، ۱۳۸۶: ۲۰۸). دلیل اصلی این افزایش تولید مربوط به تولید گاز طبیعی نروژ بوده است. ولی همزمان، به‌رغم افزایش تولید نروژ، تولید انگلستان به عنوان یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان گاز اروپا از سال ۲۰۰۰ شروع به کاهش کرده است و از سال ۲۰۰۴ میلادی نیز این کشور گاز اضافه‌ای برای تحویل به اروپا نداشته است و از موضع صادرکننده به تدریج به موضع واردکننده تبدیل شد. به علاوه تولید گاز طبیعی در هلند نیز از اوج خود به میزان ۷۶/۷ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۶ پس از فراز و نشیب‌هایی نهایتاً به ۷۰/۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. دیگر کشورها مانند رومانی با ۱۰/۹، دانمارک با ۸/۲، لهستان با ۱۰/۶ و ایتالیا با ۷/۶ میلیارد متر مکعب تولید در سال ۲۰۱۰ از تولیدکنندگان گاز طبیعی در اروپا هستند (BP Statistical Review of World Energy, 2011:9). جدول زیر، وضعیت تولید گاز در هفت کشور دارنده ذخایر گازی عضو اتحادیه اروپا را از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. کشورهای تولیدکننده گاز در اتحادیه اروپا به علاوه نروژ از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ (میلیارد متر

مکعب)

کشور/سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	سهم از کل (۲۰۱۰)
نروژ	۸۵	۸۷/۶	۸۹/۷	۹۹/۳	۱۰۳/۷	۱۰۶/۴	۳/۳٪
انگلستان	۸۸/۲	۸۰	۷۲/۱	۶۹/۶	۵۹/۷	۵۷/۱	۱/۸٪
هلند	۶۲/۵	۶۱/۶	۶۰/۵	۶۶/۶	۶۲/۷	۷۰/۵	۲/۲٪
آلمان	۱۵/۸	۱۵/۶	۱۴/۳	۱۳	۱۲/۲	۱۰/۶	۳٪
رومانی	۱۲/۴	۱۱/۹	۱۱/۵	۱۱/۴	۱۱/۳	۱۰/۹	۳٪
دانمارک	۱۰/۴	۱۰/۴	۹/۲	۱۰/۱	۸/۴	۸/۲	۳٪
ایتالیا	۱۱/۱	۱۰/۱	۸/۹	۸/۵	۷/۳	۷/۶	۲٪

Source: BP Statistical Review of World Energy June 2011

در مورد تولید نفت نیز باید گفت که بخش اصلی و عمده تولید نفت اروپا به کشور نروژ اختصاص دارد؛ اما تولید نفت خام این کشور نیز که از سال ۲۰۰۱ با ۱۶۲ میلیون تن در سال (۳ میلیون و ۴۱۸ هزار بشکه در روز) به اوج خود رسیده بود، روند نزولی پیدا کرده است؛ به طوری که در سال ۲۰۱۰ میلادی، این میزان به ۹۸/۶ میلیون تن در سال (۲ میلیون و ۱۳۷ هزار بشکه در روز) کاهش یافت. پس از

کشور نروژ، بریتانیا بیشترین تولید نفت را بین کشورهای اروپایی در اختیار دارد. این کشور در سال ۱۹۹۹ توانسته است ۱۳۷/۴ میلیون تن نفت (۲ میلیون و ۹۰۹ هزار بشکه در روز) تولید کند. البته این روند در سال‌های بعد سیر نزولی داشته است؛ به طوری که این میزان در سال ۲۰۱۰ به ۶۳ میلیون تن (۱ میلیون و ۴۴۸ هزار بشکه در روز) رسیده است. بعد از بریتانیا، کشورهای دانمارک، ایتالیا و رومانی به ترتیب و با فاصله زیاد نسبت به نروژ و انگلستان در رتبه‌های بعدی تولید نفت در اروپا هستند (رضایی، ۱۳۸۷: ۵).

جدول شماره ۵. کشورهای تولیدکننده نفت در اتحادیه اروپا به علاوه نروژ از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ (برحسب

میلیون تن)

کشور/سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	سهم از تولید کل دنیا (۲۰۱۰)
نروژ	۱۳۸/۲	۱۲۸/۷	۱۱۸	۱۱۴/۲	۱۰۸/۸	۹۸/۶	۲/۵٪
انگلستان	۸۴/۷	۷۶/۶	۷۶/۸	۷۱/۷	۶۸/۲	۶۳	۱/۶٪
دانمارک	۱۸/۴	۱۶/۷	۱۵/۲	۱۴	۱۲/۹	۱۲/۲	۳٪
ایتالیا	۶/۱	۵/۸	۵/۹	۵/۲	۴/۶	۵/۱	۱٪
رومانی	۵/۴	۵	۴/۷	۴/۷	۴/۵	۴/۳	۱٪

Source: BP Statistical Review of World Energy June 2011

در مجموع درباره میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی در اتحادیه اروپا باید گفت که بر اساس آمار بریتیش پترولیوم تا پایان سال ۲۰۱۰ میزان ذخایر گاز طبیعی در اتحادیه اروپا با احتساب ذخایر گاز نروژ بالغ بر ۴/۴ تریلیون متر مکعب (۲/۴ درصد از کل ذخایر جهان) بوده است و بنابراین در مقایسه با کل ذخایر دنیا که حدود ۱۸۷/۱ تریلیون متر مکعب است، اتحادیه اروپا از نظر حجم ذخایر گازی منطقه‌ای فقیر محسوب می‌شود. میزان ذخایر اثبات شده تا سال ۱۹۹۹ تقریباً روند ثابتی داشته است؛ اما از آن سال به بعد این روند سیر نزولی پیدا کرده است و افزایش ذخایر جدید در نروژ در سال ۲۰۰۳ به سختی می‌تواند کاهش منابع را جبران کند. در بین کشورهای اروپایی و تا پایان سال ۲۰۱۰، نروژ با دو تریلیون متر مکعب در رتبه نخست و پس از آن هلند با ۱/۲ تریلیون متر مکعب و نهایتاً انگلستان با ۰/۳ تریلیون متر مکعب در جایگاه دوم و سوم قرار دارند (BP, 2011:22). در واقع این سه

کشور ۸۰ درصد از منابع گاز داخلی اروپا را در اختیار دارند. در مورد ذخایر نفت در اتحادیه اروپا وضعیت کمی متفاوت است؛ چرا که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از لحاظ ذخایر نفتی وضعیت مناسبی ندارند. به طور کلی بیشترین ذخایر نفتی متعلق به کشورهای نروژ و انگلستان است که میزان ذخایر این کشورها هم از سال ۲۰۰۱ به بعد روند رو به کاهشی داشته است (رضایی، ۱۳۸۷: ۵). میزان ذخایر نروژ در پایان سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۶/۷ میلیارد بشکه (۰/۵ درصد از کل ذخایر جهان) و بریتانیا نیز ۲/۸ میلیارد (۰/۲ درصد) بشکه بوده است. پس از این دو کشور دانمارک و ایتالیا هر کدام با ۱ میلیارد بشکه (۰/۱ درصد) در رده‌های بعدی هستند (BP, 2011:6).

در مجموع تصویر عمومی از کل میزان تولید و مصرف نفت و گاز در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که این اتحادیه به شدت نیازمند واردات انرژی از کشورها و مناطق دیگر برای مصرف روزانه خود است (جدول شماره ۶). در همین زمینه بریتیش پترولیوم در چشم‌انداز انرژی ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده است، پیش‌بینی کرده که کل تولید انرژی در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۳۰ برابر با ۶۸۹/۹ میلیون تن خواهد بود و این موضوع در حالی است که در همین سال کل مصرف انرژی این اتحادیه ۱۷۷۹/۵ میلیون تن برآورد شده است (جدول شماره ۷). بر این اساس منطقی است که اتحادیه به دنبال تقویت پیوندهای خویش با کشورهای تولیدکننده انرژی باشد تا امنیت انرژی خود را تأمین کند. با توجه به مطالبی که درباره میزان ذخایر و تولید نفت و گاز روسیه در قسمت قبل این نوشتار ارائه شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مطمئناً این کشور یک شریک عمده برای صادرات گاز و نفت به اتحادیه اروپا است و خواهد بود. در واقع نیاز و وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی از یک طرف و وجود ذخایر عظیم روسیه در زمینه گاز و نفت و شرایط ویژه آن (ثبات، بعد مسافت، حجم ذخایر) از طرف دیگر توانسته است عامل مهمی برای تقویت همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا باشد. در قسمت بعد تلاش خواهیم کرد تا زمینه‌های تقویت همکاری میان روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی را از نظر وابستگی متقابل تبیین کنیم.

جدول شماره ۶. کل میزان مصرف نفت و گاز در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	سهام از کل دنیا (۲۰۱۰)	واحد
تولید نفت	۱۲۵/۷	۱۱۴/۶	۱۱۳/۱	۱۰۵/۴	۹۹	۹۲/۲	۲/۴	میلیون تن
مصرف نفت	۷۲۳/۱	۷۲۴/۶	۷۰۸/۴	۷۰۹/۰	۶۷۰/۲	۶۶۲/۵	%۱۶/۴	میلیون تن
تولید گاز	۲۱۲	۲۰۱/۳	۱۸۷/۵	۱۸۹/۴	۱۷۱/۵	۱۷۴/۹	۵/۵	میلیارد متر مکعب
مصرف گاز	۴۹۴/۲	۴۸۶/۹	۴۸۱/۲	۴۸۹/۷	۴۵۸/۵	۴۹۲/۵	%۱۵/۵	میلیارد متر مکعب

Source: BP Statistical Review of World Energy June 2011

جدول شماره ۷. پیش‌بینی روند تولید و مصرف انرژی در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ (برحسب

میلیون تن)

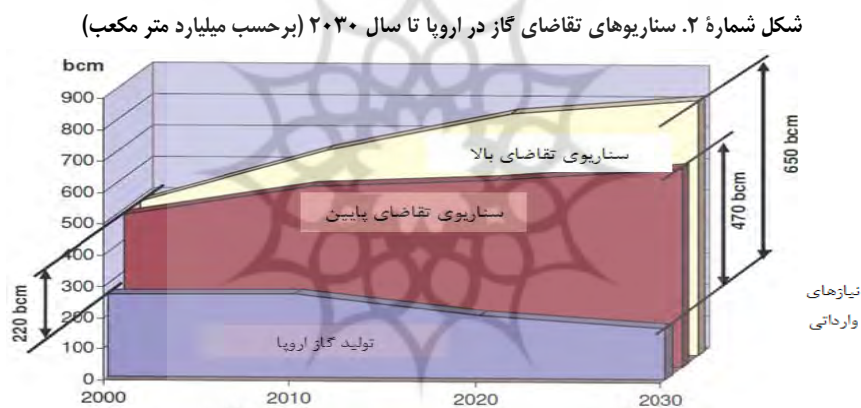
انرژی	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰
تولید	۷۵۱/۷	۷۱۴/۳	۶۸۸/۹	۶۷۹/۶	۶۸۹/۹
مصرف	۱۷۱۰/۱	۱۷۵۲/۹	۱۷۸۲/۶	۱۷۹۲	۱۷۷۹/۵

Source: BP Energy Outlook 2030: January 2011

۳. انرژی؛ محور وابستگی متقابل اتحادیه اروپا و روسیه

همان‌طور که گفته شد، روسیه یکی از بازیگران اصلی در بازار انرژی جهان است. این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز دنیاست. از طرف دیگر اتحادیه اروپا به عرضه انرژی قابل اطمینان برای حمایت از رشد اقتصادی اروپا نیاز دارد؛ بنابراین، منابع روسیه و نزدیکی آن به اتحادیه اروپا همکاری انرژی بین روسیه و این اتحادیه را ضروری می‌کند. در واقع مدیریت روابط با مسکو برای اتحادیه اروپا بر محور تأمین امنیت انرژی متمرکز شده است (Belkin & Morelli, 2007:10). بر اساس پیش‌بینی‌های کمیسیون اروپا تا سال ۲۰۳۰، میزان نفت و گاز وارداتی این اتحادیه روند افزایشی خود را ادامه خواهد داد؛ بنابراین نفت و گاز همچنان منابع سوختی غالب در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا باقی می‌ماند و حتی در این میان گاز بیشترین میزان رشد مصرف را در بازار اتحادیه از آن خود خواهد کرد. در همین زمینه و بر اساس گزارش «دیده‌بان انرژی مدیترانه‌ای» (OME) و گزارش کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۱ دو سناریوی تقاضای گاز برای اروپا مطرح است: یکی

سناریوی نیاز وارداتی که از ۲۲۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به ۴۷۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ می‌رسد که این سناریو برحسب تقاضای پایین ترسیم شده است. سناریوی دوم تقاضا و مصرف بالای گاز را لحاظ می‌کند که در این حالت تقاضای گاز در اروپا در سال ۲۰۳۰ به ۶۵۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید (Hafner, et.al, 2011:1-2) (شکل شماره ۲). البته بخش مهمی از دلایل تفاوت این دو سناریو به میزان توانایی دقیق تولید گاز در اروپا به‌ویژه در نروژ و برخی دیگر از کشورها، تغییرات و وضعیت آب‌وهوایی و میزان توانایی تولید و جایگزینی دیگر انرژی‌ها با گاز و همچنین قیمت گاز در آینده مربوط می‌شود. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۳۰، نفت و گاز به ترتیب ۳۴ درصد و ۲۷ درصد مصرف کل انرژی اتحادیه را تشکیل دهد.



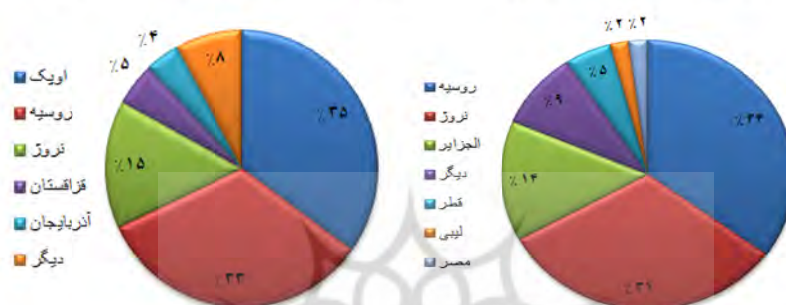
Source: European commission energy and OME (2011)

در میان کشورها و مناطق صادرکننده نفت و گاز به اتحادیه اروپا، روسیه از موقعیت ممتازی برخوردار است (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴) و این جایگاه منحصر به فرد سبب شده است تا همکاری‌های گسترده‌ای میان اتحادیه اروپا و روسیه در زمینه واردات انرژی صورت بگیرد. در واقع بخش عمده‌ای از انرژی مورد نیاز اروپا از روسیه و خاورمیانه تأمین می‌شود (البته اتحادیه اروپا نیاز نفتی خود را بیشتر از خاورمیانه تأمین می‌کند). روسیه و خاورمیانه مجموعاً ۷۰ درصد عرضه جهانی نفت و گاز را بر عهده دارند. همانطور که در شکل شماره دو مشخص است، در سال ۲۰۰۹ بیش از یک سوم نیاز وارداتی اتحادیه اروپا به نفت از

روسیه و یک سوم دیگر نیز از کشورهای عضو اوپک تأمین شده است؛ اما درباره واردات گاز اتحادیه اروپا، وضعیت متفاوت است، چرا که عمده واردات از روسیه و کشورهای افریقایی صورت گرفته است و البته این روند در ادامه به سود روسیه افزایش خواهد یافت.

شکل شماره ۳. واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا

واردات گاز اتحادیه اروپا از کشورهای مختلف در سال (۲۰۰۹) واردات نفت اتحادیه اروپا از کشورهای مختلف در سال (۲۰۰۹)



Source :European Commission Energy Report (2011)

در آینده برخی از کشورهای تولیدکننده گاز اتحادیه اروپا با افت تولید روبه‌رو می‌شوند و برخی دیگر نیز توانایی افزایش تولید را ندارند و جایگزین طبیعی این منبع، روسیه است. دلایلی نیز در منطقه خاورمیانه وجود دارد که بر اساس آنها اتحادیه اروپا احتمالاً از وابستگی انرژی خود به خاورمیانه به نفع روسیه و دیگر عرضه‌کنندگان انرژی‌های هیدروکربنی خواهد کاست. اول اینکه با افزایش رشد تقاضا در کشورهای چین، هند و کشورهای دیگر آسیا، وابستگی آسیا به واردات نفت از منطقه خاورمیانه به سرعت افزایش خواهد یافت؛ به‌ویژه اینکه چین آسیب‌پذیری ساختار عرضه انرژی خود را به‌خوبی تشخیص داده و تلاش‌های فزاینده‌ای را برای غلبه بر این مسئله انجام داده است. تقاضای نفت چین در سال ۲۰۰۴ در مقایسه با سال ۲۰۰۳ حدود ۱۶ درصد رشد داشته و در سال ۲۰۰۳ از ژاپن، دومین اقتصاد بزرگ مصرف‌کننده نفت جهان، پیشی گرفته است. از آنجا که تولید داخلی این کشور پاسخ‌گوی افزایش مصرفش نیست، واردات نفت چین از بازارهای بین‌المللی به شدت در حال افزایش است. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، میزان واردات نفت خام چین از میزان کنونی دو میلیون بشکه در

روز تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (یادگاری، ۱۳۸۶: ۲۰۰).

این وضعیت بر دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز حاکم است؛ بنابراین، برای اتحادیه اروپا، رقابت با این کشورها برای تأمین انرژی از خاورمیانه کار سختی است و همچنین کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس تمایل دارند تا تولیدات انرژی خود را به بازار آسیا شامل هند، چین و کشورهای جنوب شرقی صادر کنند. این امر برگرفته از دو عامل است، یکی اینکه تولیدکنندگان خاورمیانه از صدور انرژی خود به بازار آسیا سود بیشتری دریافت می‌کنند و دوم اینکه مسیر ترانزیت نفت و گاز به بازار کشورهای آسیایی به دلیل نزدیکی، آسان و کم‌دردتر است؛ بنابراین با توجه به این موضوع، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا بیشتر به روسیه به عنوان تأمین‌کننده عمده و اولیه انرژی خود تکیه کند و درصدد افزایش همکاری‌های خود با این کشور باشد. دلیل دوم مسئله بی‌ثباتی خاورمیانه است؛ این منطقه درگیر جنگ، تروریسم و رژیم‌های سیاسی بی‌ثبات است و تولید نفت عراق نیز هنوز به سطح قبل از جنگ نرسیده است. به علاوه این نگرانی وجود دارد که گروه‌های تروریستی خطوط لوله و امکانات تولید در سراسر منطقه را هدف قرار دهند (Belkin&Morelli,2007:2) یا مسیرهای انتقال انرژی نظیر تنگه هرمز در اثر جنگ بسته یا ناامن شود؛ از این رو وابستگی انرژی به چنین منطقه‌ای برای اروپایی‌ها خطرناک است. در نتیجه ترجیح می‌دهند که به روسیه و همکاری با آن برای تأمین انرژی‌های مورد نیاز اتکا کنند.

البته باید به این نکته اشاره کرد که وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه در زمینه گاز و نفت یک‌طرفه نیست بلکه بین این دو نوعی وابستگی متقابل (هرچند به صورت اولیه) وجود دارد در حقیقت بررسی روابط روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی، حاکی از وابستگی متقابلی مبتنی بر عرضه، تقاضا و سرمایه‌گذاری است. نیاز مبرم اتحادیه اروپا به انرژی روسیه، نیاز روسیه نیز به سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا و همین‌طور بازار انرژی این اتحادیه جهت برطرف کردن نیازهای مالی روسیه در حدی هست که از وجود وابستگی متقابل طرفین در حوزه انرژی سخن بگوییم. ولی با این وجود بر سر نوع و میزان این وابستگی متقابل میان احب‌نظران اختلاف

دیدگاه به چشم می‌خورد. بسیاری از تحلیلگران مانند اندرو مونگان، رابرت لارسون، دوید هیوز و با کمی تفاوت فیلیپوس پرودرو معتقدند که وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا از نوع نامتقارن و به سود اتحادیه اروپاست؛ زیرا وابستگی، آسیب‌پذیری و حساسیت روسیه بیش از اتحادیه اروپا است. «جیمز هیوز» در همین رابطه با ارائه آمار و ارقام، این عدم تقارن را نشان می‌دهد (Hughes, 2006: 10-11) و بر این باور است که اگرچه از نظر روابط تأمین‌کنندگی و مصرف‌کنندگی اتحادیه اروپا وابسته به روسیه است و برخی از کشورهای عضو ۱۰۰ درصد به انرژی روسیه متکی هستند، ولی با این وجود توسعه تجارت روسیه به شدت نیاز به ترانزیت گاز طبیعی به اروپا دارد و حفظ رشد تولید ناخالص داخلی روسیه به این امر وابسته است؛ نکته‌ای که شرکت گاز پروم به نمایندگی از روسیه آن را به‌خوبی در سال‌های اخیر درک کرده و سیاست‌های خود را با الزامات اتحادیه اروپا هماهنگ نموده است. نمونه این امر حذف تدریجی سیستم قیمت‌گذاری‌های دوگانه و ایجاد قراردادهای شفاف درازمدت با شرکت‌های انرژی اروپایی به طور مستقیم است. این موارد حاکی از اهمیت صادرات گاز به اتحادیه برای روسیه و حساسیت و آسیب‌پذیری روسیه نسبت به این تعامل است (Egorova, 2010: 34).

اندرو مونگان و رابرت لارسون در مورد احتمال استفاده روسیه از نفت و گاز به عنوان ابزار باج‌گیری و یا قطع صادرات انرژی به اروپا تردید دارند و در مقابل بر وجود وابستگی متقابل میان این دو تأکید می‌کنند. دلیل آنها این است که ۳۰٪ از وابستگی اتحادیه اروپا به منابع نفتی روسیه است در حالی که ۷۸٪ از صادرات نفت روسیه به اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. در مورد گاز نیز ۷۵٪ از واردات گاز این اتحادیه از روسیه انجام می‌شود و این در شرایطی است که ۹۸٪ از صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا است. آنها معتقدند که اگرچه گزینه‌های زیادی برای تنوع‌سازی واردات انرژی و به‌خصوص گاز در اختیار اتحادیه اروپا نیست، اما در آن طرف روسیه و خطوط انتقال گاز این کشور هم انعطاف‌پذیری برای تنوع بخشیدن به صادرات خود ندارد. علاوه بر این روسیه در بخش تأسیسات گاز مایع طبیعی هم سرمایه‌گذاری کافی نکرده است تا بتواند از طریق حمل‌ونقل ارزان به تنوع‌بخشی به صادراتش کمک کند (Kovacovska, 2007: 7).

اندرو مونگان ادعا می‌کند که در شرایط فعلی روسیه بیشتر به اتحادیه اروپا وابسته است تا اینکه اتحادیه اروپا به روسیه. دلیل مونگان این است که قطع گاز و نفت به اروپا در هر شرایطی مساوی است با قطع درآمد روسیه و این به معنای مشکلی عظیم برای اقتصاد این کشور است؛ چون روسیه هنوز فاقد یک بازار متنوع برای صادرات انرژی خود است (Monaghan, 2006: 2). هرچند که روسیه در راهبرد انرژی ۲۰۲۰ خود که در سال ۲۰۰۳ منتشر کرده افزایش صادرات گاز طبیعی به کشورهای غیراروپایی را مطرح نموده بود، ولی تا به حال در این زمینه نتوانسته موفق باشد. چون بیش از ۸۰٪ ذخایر و میادین تولید نفت و گاز روسیه در منطقه سیبری غربی واقع شده است که همین عامل، انتقال گاز این منطقه به کشورهای آسیای جنوب شرقی را به خاطر مشکل و پرهزینه بودن آن بسیار دشوار ساخته است. البته مونگان معتقد است روسیه به صورت بالقوه می‌تواند در آینده از طریق ذخایر و میادین سیبری شرقی انرژی خود را به صورت زمینی و یا به صورت مایع به جنوب آسیا و آمریکا ترانزیت کند. به‌خصوص اینکه بازار مصرف کشورهای آسیای جنوب شرقی نشان داده‌اند که در آینده تهدیدی عمده برای عرضه سوخت‌های فسیلی روسیه به ضرر اتحادیه اروپا هستند (این کشورها در چند سال اخیر حاضر به همکاری با روسیه برای ساختن خطوط لوله بسیار پرهزینه شده‌اند و روسیه هم از این طرح‌ها به صورت واضح و مشخص استقبال کرده است و آغاز ساخت لوله از سیبری جنوبی به ماخورک و ولادی وستک در ساحل اقیانوس آرام در همین راستا است)؛ با این وجود اندرو مونگان معتقد است که روسیه منافع خود را در فروش نفت و گاز به مشتریان خوش حساب و باثبات (اروپایی) می‌داند. وی در نهایت با اعتقاد به وابستگی متقابل میان روسیه و اتحادیه اروپا اشاره می‌کند که امنیت انرژی اغلب به برداشت و ذهنیت دو طرف نسبت به هم باز می‌گردد. یعنی اگر روسیه به این درک برسد که اتحادیه اروپا در حال متنوع ساختن واردات انرژی مصرفی خود و در نتیجه به فکر کم کردن وابستگی به این کشور است در این صورت روسیه هم تلاش خواهد کرد تا برای امنیت اقتصادیش به فکر تنوع‌بخشی به بازار انرژی خود باشد (Kovacovska, 2007: 8).

در همین رابطه رابرت لارسون معتقد است که مشکل اصلی و ریشه‌دار در

روابط روسیه و اتحادیه اروپا به دیدگاه‌های مختلف آنها در مورد همکاری برمی‌گردد. در حالی که اتحادیه اروپا ترسی از وابستگی متقابل ندارد اما روسیه حاضر نیست به هیچ‌کس و هیچ چیزی وابسته باشد و علاوه بر آن مایل است که دیگران را به خود وابسته ببیند. در واقع روسیه به سیاست انرژی به عنوان یک بازی با حاصل جمع صفر نگاه می‌کند. اما با این حال در مجموع تجارت روسیه بسیار وابسته‌تر به اتحادیه اروپا است تا برعکس (Larsson, 2007: 7). در مقابل ولادمیر میلوف یکی دیگر از تحلیلگران روابط روسیه و اتحادیه اروپا با این نظر رابرت لارسون موافق نیست. او استدلال می‌کند آن چیزی که لارسون در مورد وابستگی متقابل انرژی می‌گوید غیر واقعی است؛ چراکه روسیه به عنوان تأمین‌کننده انرژی، ابزارهای مؤثرتر و قوی‌تری در مقایسه با غرب به عنوان یک مصرف‌کننده انرژی در بازار (و در نتیجه در سیاست) دارد (Milov, 2006: 14).

تجارت اتحادیه اروپا با روسیه در زمینه کالا پس از افت شدید ثبت شده در سال ۲۰۰۹ که به دلیل بحران اقتصادی در اروپا، دوره طولانی رشد را قطع کرده بود، در سال ۲۰۱۰ تا حدودی بهبود یافت. صادرات اعضای اتحادیه اروپا به روسیه به ۶۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۹ و سپس به ۸۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. در همین دوره واردات از روسیه نیز از ۱۱۸ میلیارد در سال ۲۰۰۹ به ۱۶۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. این امر به معنای افزایش کسری تجاری اتحادیه اروپا با روسیه از ۵۲ میلیارد در سال ۲۰۰۹ به ۷۴ میلیارد در سال ۲۰۱۰ است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸. تجارت اتحادیه اروپا با روسیه در زمینه کالا برحسب میلیون یورو (از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰)

۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	
۸۶۱۳۱	۶۵۶۱۴	۱۰۵۰۲۶	۸۹۰۶۷	۷۲۳۲۸	۵۶۶۹۲	صادرات
%۶/۴	%۶	%۸	%۷/۲	%۶/۲	%۵/۴	سهم آن در کل صادرات اتحادیه اروپا
۱۶۰۰۶۲	۱۱۷۷۴۰	۱۷۸۱۵۷	۱۴۴۹۸۰	۱۴۰۹۱۶	۱۱۲۵۹۱	واردات
%۱۰/۶	%۹/۸	%۱۱/۴	%۱۰/۱	%۱۰/۴	%۹/۵	سهم آن در کل واردات اتحادیه اروپا
-۷۳۹۳۱	-۵۲۱۲۶	-۷۳۱۳۱	-۵۵۹۱۳	-۶۸۵۸۹	-۵۵۸۹۵	تراز تجاری

Source: Eurostat (2011)

رشد تجارت اتحادیه اروپا با روسیه در سال ۲۰۱۱ همچنان ادامه داشته است. در حقیقت صادرات اتحادیه اروپا به روسیه از ۶۱ میلیارد یورو در نه ماهه اول سال ۲۰۱۰ به حدود ۷۹ میلیارد در مدت مشابه سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. در همین زمینه واردات اتحادیه اروپا از ۱۱۷ میلیارد یورو در نه ماهه اول سال ۲۰۱۰ به ۱۴۶ میلیارد یورو در مدت مشابه سال ۲۰۱۱ رسیده است و در نهایت کسری تجاری اتحادیه اروپا با روسیه از ۵۶ میلیارد در نه ماهه اول سال ۲۰۱۰ به ۶۷ میلیارد در مدت مشابه سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرده است (Gambini, 2011:1-2) (جدول شماره ۹).

در سال ۲۰۱۱ روسیه سومین شریک تجاری مهم اتحادیه اروپا پس از آمریکا و چین با ۷ درصد از صادرات و ۱۲ درصد از واردات این اتحادیه بوده است. در میان کشورهای اتحادیه اروپا آلمان با یک سوم صادرات به روسیه (۲۵/۲ میلیارد یورو یا ۳۲ درصد) بزرگ‌ترین صادرکننده به روسیه در نه ماهه اول سال ۲۰۱۱ بوده است. پس از آن ایتالیا با ۶/۹ میلیارد یورو (۹ درصد)، فرانسه با ۵/۴ میلیارد یورو (۷ درصد) و هلند با ۵/۱ میلیارد یورو (۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. از نظر واردات از روسیه نیز کشور آلمان با ۲۶/۹ میلیارد یورو (۱۸ درصد) بزرگ‌ترین واردکننده از روسیه بوده است. پس از آن هلند با ۱۹/۷ میلیارد یورو (۱۳ درصد)، لهستان با ۱۳/۱ میلیارد یورو (۹ درصد)، ایتالیا با ۱۲/۸ میلیارد یورو (۹ درصد) و فرانسه با ۱۰ میلیارد یورو (۷ درصد) در رتبه‌های بعدی هستند.

در همین دوره مهم‌ترین کالاهای صادراتی اتحادیه اروپا به روسیه، کالاهای تولیدی با ۶۹ میلیارد یورو است که شامل ماشین‌آلات و وسایل نقلیه، مواد شیمیایی و دیگر کالاهای تولیدی (مانند چوب، چرم، لاستیک، کاغذ، منسوجات و غیره) می‌شود که البته سهم ماشین‌آلات و وسایل نقلیه بیشتر و متفاوت‌تر از دیگر بخش‌ها است و این امر نشان‌دهنده نیاز و وابستگی بیشتر روسیه به اتحادیه اروپا است. از آن طرف مهم‌ترین کالاهای وارداتی اتحادیه اروپا از روسیه کالاهای اولیه و اساسی شامل مواد خام، انرژی، نوشیدنی و خوراکی‌ها است که در این میان وضعیت واردات انرژی بسیار متفاوت است؛ چرا که در سال ۲۰۱۱

از مجموع ۱۴۷ میلیارد یورو واردات اتحادیه اروپا از روسیه، ۱۱۳ میلیارد آن به بخش انرژی مربوط می‌شود که این امر نشان‌دهنده تمرکز واردات اتحادیه اروپا از روسیه و حاکی از نیاز و وابستگی بیشتر این اتحادیه به روسیه در این بخش است؛ بنابراین باید بپذیریم که حساسیت و آسیب‌پذیری مبادلات اقتصادی اتحادیه اروپا و روسیه در این دو بخش بسیار بیشتر از دیگر بخش‌هاست (Gambini, 2011:3).

جدول شماره ۹. تجارت اتحادیه اروپا با روسیه در زمینه محصولات مختلف برحسب میلیون یورو (نه ماهه اول سال ۲۰۱۱ در مقایسه با نه ماهه اول ۲۰۱۰)

کالاها	صادرات		واردات	
	نه ماهه اول ۲۰۱۰	نه ماهه اول ۲۰۱۱	نه ماهه اول ۲۰۱۰	نه ماهه اول ۲۰۱۱
کل	۶۱۰۰۶	۷۸۹۸۲	۱۱۷۰۵۷	۱۴۶۲۷۱
کالاهای اولیه شامل:	۷۲۷۸	۸۷۹۱	۹۰۶۹۱	۱۱۷۴۴۱
۱- غذا و نوشیدنی	۵۷۱۴	۶۵۸۲	۴۲۵	۷۰۰
۲- مواد خام	۱۰۲۷	۱۴۲۲	۲۸۵۲	۲۲۶۶
۳- انرژی	۵۲۷	۷۸۵	۸۷۴۰۴	۱۱۳۴۷۵
کالاهای تولیدی شامل:	۵۴۶۸۷	۶۹۰۱۹	۱۴۵۰۸	۱۷۵۸۷
۱- مواد شیمیایی	۱۱۶۸۷	۱۲۳۸۸	۲۲۴۱	۴۲۵۷
۲- ماشین آلات و وسایل نقلیه	۲۶۴۵۹	۲۷۵۸۴	۸۹۰	۱۱۷۲
۳- دیگر کالاهای تولیدی	۱۴۵۴۰	۱۸۰۳۷	۱۰۳۷۶	۱۲۱۵۸
دیگر	۱۰۴۱	۱۱۷۲	۱۱۸۵۹	۱۱۳۴۴

Source: Eurostat (2011)

به نظر می‌رسد که دیدگاه این تحلیلگران اروپایی در مورد میزان و نوع وابستگی دو طرف تا حدودی خوش‌بینانه و جهت‌گیرانه است. به‌رغم اینکه در سال‌های اخیر یکی از اهداف اساسی سیاست انرژی اتحادیه اروپا مدیریت وابستگی متقابل به روسیه بوده است؛ و اگرچه در حال حاضر کمیسیون اروپا روابطش با روسیه را در قالب وابستگی متقابل توضیح و تبیین می‌کند اما روسیه در کوتاه‌مدت دست‌بالا را در این رابطه دارد چراکه اتحادیه هنوز در برابر اقدامات روسیه در کوتاه‌مدت آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد. نمونه آن هم قطع گاز صادراتی به اوکراین و بلاروس در چند سال اخیر است که در نهایت روسیه توانست خواسته خود را به اتحادیه اروپا تحمیل کند.

باین حال و با توجه به آمار و ارقام مبادلات اقتصادی روسیه با اتحادیه اروپا

می‌توان گفت که در درازمدت وابستگی روسیه به اتحادیه اروپا به خاطر وابستگی عمیق اقتصادی به درآمدهای حاصل از انرژی و همین‌طور نبود چشم‌انداز روشن و دقیق برای تنوع اقتصادی، بیشتر است. اگرچه در برخی مواقع زمینه‌نگرانی اروپا برای عرضه مطمئن انرژی در آینده از طرف روسیه وجود دارد اما به خاطر وجود همکاری‌ها و مبادلات گسترده تجاری، میان این دو شریک بزرگ اقتصادی، انتظار می‌رود که در سال‌های آینده با توجه به رشد فزاینده مصرف انرژی در اتحادیه اروپا و همین‌طور نیاز روسیه به سرمایه‌گذاری‌های فراوان در بخش انرژی خود همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا با محوریت انرژی تقویت گردد و شاهد نهادینه‌شدن وابستگی متقابل این دو باشیم.

نتیجه‌گیری

میزان توانمندی روسیه در زمینه ذخایر و تولید انرژی و نیز کمبود انرژی و نیاز شدید اتحادیه اروپا به سوخت‌های فسیلی برای مصرف روزانه خود باعث شده است تا انرژی کانون همکاری و محور روابط این دو شریک بزرگ اقتصادی را شکل دهد. نیاز چشمگیر و روزافزون بیشتر دول عضو اتحادیه اروپا به منابع انرژی (نفت و گاز) وارداتی، روند رو به کاهش ذخایر داخلی نفت و گاز این اتحادیه، ظهور کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی و در نتیجه ایجاد بازارهای جدید خرید انرژی در شرق آسیا نظیر چین و هند (که مشتریان درجه اول تولیدکنندگان انرژی خاورمیانه محسوب می‌شوند و حتی می‌توانند رقیبی برای اتحادیه اروپا در بازار انرژی روسیه باشند)، وجود بی‌ثباتی مزمن در خاورمیانه و خلیج فارس (که تولیدکنندگان این مناطق را به جایگزین‌هایی ضعیف و نه چندان مطمئن برای تأمین انرژی اروپا تبدیل می‌کند)، موقعیت ممتاز و بی‌نظیر روسیه در برخورداری از ذخایر غنی نفت و گاز (با دارا بودن بیش از یک پنجم از ذخایر نفت و گاز جهانی) و نیاز شدید این کشور به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش انرژی (که ترجیحاً مایل است کشورهای اروپایی آن را تأمین کنند) از جمله عواملی هستند که تقویت همکاری‌های روسیه و اتحادیه اروپا با محوریت انرژی را ضروری می‌کنند و این همکاری را از رابطه یک‌سویه وابستگی یکی به دیگری، به الگویی از وابستگی

متقابل بلندمدت نزدیک می‌کنند. همین عامل باعث شده است تا به‌رغم وجود پاره‌ای تنش‌ها و شکاف‌های موقتی و کوتاه‌مدت در روابط طرفین، تقویت همکاری‌های انرژی به وجه غالب روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا تبدیل شود و حتی این الگوی وابستگی متقابل به زمینه‌های دیگر همکاری دو طرف نیز گسترش یابد. *



کتابنامه

- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۴)، *استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدامات*، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حسن‌تاش، سید غلام‌حسین (۱۳۸۷)، «تقاضای گاز اروپا، نقش ترکیه و فرصت‌های ایران»، *مجله اقتصادی سیاسی*، شماره ۲۲۳-۲۲۴.
- راعی دهقی، مرتضی (۱۳۸۶)، «روسیه و اتحادیه اروپایی: استراتژی‌های متقابل انرژی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۶۰.
- رضایی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *زمین‌شناسی نفت*، انتشارات فرهیختگان علوی.
- زیب، رضا (۱۳۸۶)، «روسیه: تجارت و ترانزیت جهانی گاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*.
- شعیب، بهمن (۱۳۸۸)، «نقش انرژی در روابط روسیه با اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*.
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۸۸)، «زمینه‌های همکاری روسیه و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*.
- کیانی، داوود (۱۳۸۶)، «سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۱.
- داوود کیانی (۱۳۸۶)، «سیاست نفوذ روسیه در اوکراین؛ واکنش اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*.
- گل شیرازی، حسن و جندقیان (۱۳۸۰)، «توسعه نفت و گاز روسیه»، *مجله اقتصاد انرژی*.
- موسوی شفاغی، مسعود و محمود واعظی (۱۳۸۶)، «دییلماسی اقتصادی»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- یادگاری، حسین (۱۳۸۵)، «تقاضا و چالش‌های امنیت انرژی در آسیا»، *مجله اقتصادی سیاسی*.
- BP Statistical review of world energy June (2010)
- Eurogas statistical report (2011)
- European commission external relations "Eu-russia relations" May (2007)
- European commission energy report,(2011)
- Gilberto, Gambini (2011) Eu27 trade in goods with Russia up by 27% in the first nine

- months of 2011", published by: eurostat press office.
- Grats, Jonas (2009), "energy relations with Russia and gas market liberalization"
- Green Paper (2006), "A European strategy for sustainable, competitive and secure energy"
- Hughes J. J. (2006), "Eu relations with Russia: partnership or asymmetric interdependency" *Research online*.
- Hafner, Manfred, Karbuz, Sohb, Esnault, Benoit & Andaloussi, Habib (2011), "long-term natural gas supply to Europe: import potential, infrastructure needs and investment promotion"
- Kovacovska, Lenka (2007), "European Union's energy (in)security – dependence on Russia"
- Larsson, R. (March 2006), "Russia's energy policy: security dimensions and Russia's reality as an energy supplier" *Swedish Defence Research Agency Scientific Report*
- Larsson, R. (2007), "Nord Stream, Sweden and Baltic Sea Security" *Swedish Research Defence Agency, Defence Analysis*, March 2007, Stockholm
- Lynn, Jones (summer 1995), "Offense defense theory and its critics", *Security Studies*, No 4, Vol. 4,
- Moran, Daniel & A. Russell (2009) James "Energy security and global politics: the militarization of resource management"
- Morelli, Vincel & Belkin, Paul (2007), "The European Union's energy security challenges" *CRS Report for Congress*,
- Monaghan, Andrew (November 2005) "Russian oil and EU energy security"
- _____ (2007), "Russia and the security of Europe's energy supplies: security in diversity?" *Conflict Studies Research Centre*.
- Monaghan, Andrew (2005) "Russian oil and EU energy security" *Conflict Studies Research Centre*
- Milov, Vladimir & Coburn, Leonard & Danchenko, Igor, (2006) "Russia's energy policy 1992-2005"
- Milov, Vladimir, (2006), "The Eurasian energy dialogue: competition versus monopolies" *Research Programme Russia/NIS*
- Milov, V. (May 2006), "The use of energy as a political tool" *EU-Russia Centre Review*
- Olga, Egorova (2010), "The European Union – Russia relations on Natural Gas as an Example of the Relations within Network Governance", *University of Twente Enschede - the Netherlands*,
- Proedrou, F. (2007), "The EU-Russia energy approach under the prism of interdependence".

europensecurity.

Paltsev, Sergey (July 2011), "Russias natural gas export potential up to(2050)" *mit joint program on the science and policy of global change*, report No.201,

Söderbergh, Bengt (2011), "Norway and Russia natural gas prospects and subsequent implicationsfor european energy security" *global energy systems*, Uppsala university





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی